

DOI: 10.48300/JLR.2023.414904.2436

چالش‌های نظام مسؤلیت بین‌المللی در مواجهه با گروه‌های مسلح غیردولت

۱- جناب آقای دکتر سید قاسم زمانی (نویسنده ی مسئول)، استاد حقوق بین الملل عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،
ایران. zamani@atu.ac.ir

۲- مریم حسین آبادی، دانشجوی دکتری رشته حقوق بین‌الملل عمومی در دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

hosseinabadi.maryam@yahoo.com

نقش آفرینی گروه‌های مسلح غیر دولت در مخاصمات مسلحانه علیه یکدیگر یا دولت‌ها مبدل به مسئله‌ی تهدید کننده‌ی صلح و امنیت بین‌المللی در چند دهه‌ی اخیر شده است. در این راستا اگرچه به طور گسترده پذیرفته شده است که حقوق بین‌الملل بشر دوستانه گروه‌های مسلح غیر دولت را ملزم می‌کند، اما اثر نقض تعهدات برخاسته از حوزه‌ی مذکور در قلمرو قواعد ثانویه کمتر مشخص است. در این مقاله با شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی، جایگاه گروه‌های مسلح غیر دولت در طرح مسؤلیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه‌ی بین‌المللی تنویر می‌شود و ضمن ارزیابی پاسخ حقوق بین‌الملل به موضوع مسؤلیت کیفری بین‌المللی فردی و جمعی گروه‌های مذکور، با تامل در خصوص الگوی مسؤلیتی بین‌المللی احتمالی این گروه‌ها با الگو برداری تطبیق یافته از چارچوب رژیم مسؤلیت بین‌المللی دولت‌ها به پایان می‌رسد.

کلید واژه‌ها: گروه‌های مسلح غیر دولت، مسؤلیت بین‌المللی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق کیفری بین‌المللی، جبران خسارت

Challenges of International Responsibility System in Confronting with Non-state Armed Groups

The role of non-state armed groups in armed conflicts against each other or states has changed into an issue threatening international peace and security in the last decades. In this regard, although it is widely accepted that international humanitarian law obliges non-state armed groups, the effect of violating these groups' obligations is less clear in terms of secondary rules. In this article, with a descriptive-analytical method, the status of non-state armed groups in the draft articles on responsibility of states for internationally wrongful acts is clarified. While evaluating the answer of international law to the issue of individual and collective international criminal responsibility of the mentioned groups, the article analyses the possible international responsibility of non- state armed groups.

Keywords: Non-state Armed Groups, International Responsibility, International Humanitarian law, International Criminal Law, Compensation

مقدمه:

حقوق بین‌الملل به عنوان حقوق حاکم بر جامعه‌ی بین‌المللی به واسطه‌ی ماهیت پویا و منعطف خود و هم‌چنین طبیعت سیطره‌ای که بر آن حاکم است همواره در معرض مواجهه شدن با مسائل و موضوعات جدید در شاخه‌های گوناگون تحت پوشش خود است. یکی از موضوعات مطروحه در این حوزه، بحث راجع به اهمیت فزاینده‌ی مباحث مربوط به گروه‌های مسلح غیر دولت^۱ و بررسی ابعاد حقوقی نقش آنان در شناخت بهتر و تضمین حداکثری اجرای قواعد حوزه‌ی حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی می‌باشد. به واقع در حال حاضر اهمیت فزاینده‌ی حضور و نقش آفرینی گروه‌های مسلح غیر دولت در جغرافیای حقوق بین‌الملل، که هم‌چنان به‌گونه‌ی سنتی در بسیاری از حوزه‌ها با ویژگی حاکمیت محور شناخته می‌شود، از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی مبدل به پرسشی چالش برانگیز شده است. اهمیت مسئله‌ی مذکور زمانی روشن‌تر می‌شود که بیان شود امروزه تا حد بسیار زیادی بر خلاف تفکر غالب بر دهه‌ی ۱۹۵۰ میلادی که مخاصمات مسلحانه میان دولت‌ها را عامل اصلی تهدید صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌نمود، این کثرت مخاصمات مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی است که جای عامل مذکور را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که در سطح بین‌المللی، رژیم فعلی حاکم بر مسئولیت گروه‌های مذکور، در موارد منتهی به جرایم بین‌المللی، حقوق کیفری بین‌المللی است، و دولت‌ها علی‌الاصول در قبال رفتار گروه‌های مسلح غیر دولتی که تحت کنترل آنان عمل نمی‌کنند مسئول نیستند؛ چرا که دولت‌ها اصولاً به سبب رفتار اشخاص خصوصی مسئول قلمداد نمی‌شوند. بنابراین ملاحظه می‌شود ظاهراً با دو سطح از رژیم حقوقی متفاوت - حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در مقابل حقوق کیفری بین‌المللی فردی - رو به رو هستیم که میان آن‌ها ندرتاً هم‌پوشانی قابل تصور است. این امر، به ویژه با در نظر گرفتن جنبه‌ی قوی پیش‌گیرانه‌ی نظام مسئولیت بین‌المللی، موید وجود یک خلاء حقوقی در بررسی رفتار گروه‌های مسلح غیر دولتی است و آن عبارت است از لزوم بررسی امکان طرح مسئولیت بین‌المللی گروه‌های مسلح غیر دولتی به موازات طرح بحث مسئولیت جزائی اعضای گروه‌های مذکور در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری.

^۱ موسسه‌ی حقوق بین‌الملل در گزارش خود در سال ۲۰۱۶ تعریف کاربردی از گروه‌های مسلح غیر دولت مبتنی بر سه عنصر به عمل آورده است. بدین ترتیب که:

(الف) اولاً، گروه‌های مسلح غیر دولت «سازمان‌های متشکل از دولت‌ها یا سازمان‌هایی که توسط گروهی از دولت‌ها، اداره یا کنترل یا کنترل می‌شوند» نیستند.

(ب) ثانیاً، گروه‌های مسلح غیر دولت بازیگرانی هستند که در واقع «اقداماتی در عرصه بین‌المللی انجام می‌دهند که تأثیرات واقعی یا بالقوه بر حقوق بین‌الملل دارد.»

(ج) ثالثاً، گروه‌های مسلح غیر دولت نهادهای قانونی شناخته شده و سازمان یافته هستند. به رسمیت شناختن حقوقی می‌تواند در قوانین ملی یا بین‌المللی صورت گیرد. این دسته بندی شامل افراد، نهادهای سازمان‌یافته غیرقانونی و غیر مشروع نظیر مافیا و نیز گروه‌های غیرقانونی و غیر مشروع نظیر گروه القاعده، که به هیچ وجه به رسمیت شناخته نشده‌اند، نمی‌شود. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه بنگرید به:

Jean d'Aspremont, *et al*, "Final Report of the Committee on Non-State Actors of the International Law Association, (ILA)", (2016): 5-7, doi 10.13140/RG.2.2.31590.75844

واقعیت آن است که مطرح ساختن موضوع که مسئولیت بین‌المللی گروه‌های مسلح غیر دولت مسئله‌ای بحث برانگیز است. به منظور پیش‌برد بحث، هدف از این نوشتار بررسی ویژگی یک رژیم مسئولیت بین‌المللی احتمالی برای گروه‌های مسلح غیر دولت است. لازم به ذکر است که در این مقاله به بررسی مسئولیت بین‌المللی احتمالی آن دسته از گروه‌های مسلح غیر دولت پرداخته می‌شود که مستقل از هر گونه ارتباط با سایر دولت‌ها عمل می‌کنند. این تحلیل بر مبنای رژیم مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها تنظیم می‌شود و به بررسی این مسئله می‌پردازد که آیا مسئولیت بین‌المللی گروه‌های مسلح غیر دولت می‌تواند از رهگذر قیاس با رژیم مذکور تفسیر شود؟ در این نوشتار چنین پیشنهاد می‌شود که هرچند طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در برگیرنده‌ی محدودیت‌های خاصی در کاستن از خلاء^۲ مربوط به مسئولیت موجود در مورد گروه‌های مسلح غیر دولت در حقوق بین‌الملل می‌باشد، اما تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که با وجود تمامی محدودیت‌های موجود، می‌توان از طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به عنوان نقطه‌ی حرکت برای توسعه‌ی یک نظام مسئولیتی جدید برای گروه‌های مسلح غیر دولت استفاده کرد. در این راستا، در گام نخست لازم است مشخص شود که رژیم مسئولیتی بین‌المللی دولت‌ها تا چه اندازه مسئولیت بین‌المللی گروه‌های مسلح غیر دولت را مورد توجه قرار داده است و در صورت مورد توجه قرار دادن، چه پیامدهایی از این امر آشکار می‌شوند. از نظر ساختار مقاله ابتدا جایگاه رژیم مسئولیت احتمالی گروه‌های مسلح غیر دولت در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه‌ی بین‌المللی و سپس رژیم مسئولیت کیفری بین‌المللی فردی جمعی حاکم بر این گروه‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل کلی، پیشنهادی برای چگونگی توصیف مسئولیت بین‌المللی گروه‌های مذکور ارائه خواهد شد.

۱. جایگاه رژیم مسئولیت احتمالی گروه‌های مسلح غیر دولت در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه‌ی بین‌المللی

همان‌طور که از نام آن پیداست، طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه‌ی بین‌المللی تنها به تبیین مسئولیت دولت‌ها می‌پردازد و مسئولیت نهادهای غیردولتی را بررسی نمی‌کند. طبق اصل کلی حاکم بر مواد طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، دولت‌ها در قبال اقدامات زیان‌آور گروه‌های مسلح غیردولت که علیه آن‌ها وارد مخاصمه‌ی مسلحانه شده‌اند، چه در طول مخاصمه و چه پس از شکست گروه، مسئول نیستند.^۳ اگرچه ممکن است یک دولت به سبب عدم مجازات یا جلوگیری از ارتکاب رفتار متخلفانه توسط گروه مسلح غیردولت مسئول باشد، اما این امر باعث اشتغال مسئولیت دولت به سبب خود آن رفتار زیان‌بار نمی‌شود، بلکه در این‌جا مسئولیت دولت ناشی از عدم مراقب لازم است و دولت به سبب کوتاهی خود در اتخاذ اقدامات احتیاطی مسئول قلمداد می‌شود و از آن‌جایی که اصل اقدامات احتیاطی^۴ یک تعهد به وسیله است، غالباً در مواردی که گروه‌های مسلح غیر دولت خارج از کنترل دولت عمل می‌کنند، نمی‌توان دولت را به سبب عدم اتخاذ اقدامات احتیاطی مسئول دانست.^۵ در نقطه‌ی مقابل، دولت را می‌توان مستقیماً مسئول رفتار نهادهایی دانست که ممکن است در سطح بین‌المللی به دولت نسبت داده

^۲ Gap

^۳ Patrick Dumberry, "New State Responsibility for Internationally Wrongful Acts by an Insurrectional Movement", *European Journal of International Law*, 17, 3, (2016): 610-611

^۴ The Principle of Due Diligence

^۵ Dumberry, op.cit.

شود. این امر شامل رفتار ارگان‌های دولت یا سایر موجودیت‌هایی است که تحت هدایت، تحریک یا کنترل ارگان‌های دولت عمل کرده‌اند. طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها این نکته را مورد پذیرش قرار داده است که تعدادی استثناء بر این اصل کلی حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها وجود دارد، به‌ویژه زمانی که پیوندی قوی میان یک گروه مسلح غیر دولت و دولت وجود داشته باشد؛ امری که محتوای ماده‌ی ۱۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را تشکیل می‌دهد.^۶ مطالعه‌ی مواد طرح مسئولیت دولت‌ها برای ارتکاب اعمال متخلفانه‌ی بین‌المللی، نشان می‌دهد که کمیسیون حقوق بین‌الملل بر آن بوده است که رفتار گروه‌های معینی از گروه‌های مسلح غیردولتی را مشمول قواعد رژیم ثانویه‌ی مسئولیت بین‌المللی به نحو منعکس در طرح مذکور بداند؛ یعنی مشخصاً گروه‌های شورشی که در نهایت موفق به تشکیل دولت جدید می‌شوند.^۷ ماده‌ی ۱۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها چنین اشعار می‌دارد که رفتار یک جنبش، اعم از شورشی یا غیرشورشی، که منجر به تأسیس یک دولت در بخشی از قلمرو دولت سابقاً موجود یا در قلمرو تحت اداره‌ی آن می‌شود، رفتار دولت جدید به موجب حقوق بین‌الملل است.^۸

از حیث مسئولیت گروه‌های مسلح غیردولتی مشمول ماده‌ی ۱۰ طرح مسئولیت، کمیسیون حقوق بین‌الملل در نظریه‌ی تفسیری ذیل ماده‌ی مورد بحث به یادآوری این نکته می‌پردازد که در عین حالی که موضوع طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها هستند، اما این احتمال وجود دارد که جنبش شورشی به دلیل رفتار خود، مثلاً نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط نیروهایش، به موجب حقوق بین‌الملل مسئول قلمداد گردد،^۹ اما این فرض مربوط به زمانی است که جنبش مذکور، قدرت را به دست بیاورد و جایگزین دولت در یک قلمرو جغرافیایی مشخص شود و به عنوان یک دولت برای اقداماتی که پیش‌تر به عنوان گروه مسلح غیردولتی مرتکب شده بود، مسئول قلمداد شود. این دیدگاه در نظریه‌ی تفسیری کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ ذیل ماده‌ی ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو ۱۹۴۹ مورد تأکید قرار گرفته است.^{۱۰} پروفیسور آگو دیدگاه مذکور را با اشاره به مفهوم پیوستگی میان جنبش شورشی و دولت محصول اقدامات آن گروه توضیح می‌دهد. وی بیان می‌دارد که اقدامات، توسط ارگان‌های جنبش ارتکاب یافته است و به واقع این جنبش است که به دولت جدید حیات بخشیده است.^{۱۱}

واقعیت آن است که قاعده‌ی مندرج در ماده‌ی ۱۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در برخی تصمیمات داوری اتخاذ شده طی نیمه‌ی اول قرن ۲۰ میلادی اعمال شده است، اما رویه‌ی دولت‌ها یا گروه‌های مسلح غیردولتی به نحو مطلوبی حاکی از تأکید و

^۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل، *مسئولیت بین‌المللی دولت*، ترجمه‌ی علیرضا ابراهیم‌گل، چاپ ششم، (تهران: موسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳)، ۷۴-۷۵.

^۷ در دکتترین از این وضعیت به عنوان «دولت در حال شکوفایی» / «*States in Statu Nascendi*» یاد می‌شود. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه بنگرید به: Christian Hillgruber, "The Admission of New States to the International Community", *European Journal of International Law*, Vol. 9, (1998): 495-496, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=803686>, Last visited May 27, 2023

^۸ کمیسیون حقوق بین‌الملل، همان، ص ۷۶

^۹ Jean D'Aspremont, "Rebellion and State Responsibility: Wrongdoing by Democratically Elected Insurgents." *The International and Comparative Law Quarterly*, 58, 2, (2009): 420, Available at: <http://www.jstor.org/stable/20488297>, Last visited July 20, 2022

^{۱۰} ICRC, "Commentary on Common Article 3 of the Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field", (2016): para. 890, Available at: https://www.icrc.org/applic/ihl/ihl.nsf/Comment.xsp?action=openDocument&documentId=59F6CDFA490736C1C1257F7D004BA0EC#863_B, Last visited July 20, 2022

^{۱۱} R. Ago, "Fourth Report on State Responsibility", *Yearbook of the International Law Commission*, Vol. II, 131-132, (1972): 141, Available at: http://legal.un.org/ilc/documentation/english/a_cn4_264.pdf, Last visited March 10, 2022

اجرای ماده‌ی ۱۰ طرح مسئولیت نمی‌باشد. در نتیجه، می‌توان ارتباط میان کاربرد قواعد مندرج در ماده‌ی ۱۰ را با درگیری‌های امروزی زیر سوال برد.^{۱۲} نکته‌ی دوم آن است که ماده‌ی ۱۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در خصوص مسئولیت گروه‌های مسلح غیردولتی است که موفق به تشکیل دولت می‌شوند. در نتیجه، مسئله‌ی مسئولیت مستقیم گروه‌های مسلح غیر دولت در حاشیه می‌ماند. تفسیر به عمل آمده توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص ماده‌ی ۱۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها این نکته را به ذهن متبادر می‌سازد که ممکن است گروه‌های مسلح غیر دولت به موجب حقوق بین‌الملل مسئول رفتار خود شناخته شوند. با این حال، نکته‌ای که کمیسیون به سرعت یادآور می‌شود آن است که مسئولیت گروه‌های مسلح غیر دولت خارج از محدوده‌ی مواد طرح مسئولیتی است که به مسئولیت دولت‌ها مربوط می‌شود. سومین نکته آن است که زمانی که مخصصه‌ی مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی در حال وقوع است، نمی‌توان از قالب مسئولیتی مندرج در ماده‌ی ۱۰ بهره جست و این امر موجب کاهش ارتباط کاربردی این مقرره با تنش‌های بین‌المللی معاصر می‌شود. در نهایت، ماده‌ی ۱۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به تبیین مسئولیت بین‌المللی گروه‌های مسلح غیر دولت که موفق به تشکیل دولت شده اند محدود می‌شود. با این حال، گروه‌های مسلح غیر دولت ممکن است در رسیدن به اهداف خود موفق نباشند، ولی برای مدت زمان قابل توجهی فعال باقی بمانند. از طرف دیگر، آنها ممکن است به سادگی اهداف متفاوتی را نسبت به آنچه در ماده‌ی ۱۰ طرح مسئولیت پیش بینی شده است، دنبال کنند، مانند به دست آوردن خودمختاری یا برابری اجتماعی بیشتر که اموری متفاوت از تشکیل قوه‌ی مجریه یا دولت جدید است.^{۱۳} ملاحظه می‌شود در فروض اخیر چارچوب مسئولیتی مندرج در ماده‌ی ۱۰ نمی‌تواند پاسخگوی مسئولیت بین‌المللی گروه‌های مسلح غیر دولت مذکور باشد.

هرچند طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در برگیرنده‌ی محدودیت‌های خاصی در کاستن از خلاء مربوط به مسئولیت موجود در مورد گروه‌های مسلح غیر دولت در حقوق بین‌الملل می‌باشد، اما تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که با وجود تمامی محدودیت‌های موجود، می‌توان از طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به عنوان نقطه‌ی حرکت برای توسعه‌ی یک نظام مسئولیتی جدید برای گروه‌های مسلح غیر دولت استفاده کرد.^{۱۴} واقعیت آن است که حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها رژیم مسئولیتی پیشرفته‌ای است و این پیشرفت به سبب تقدم تاریخی دولت به عنوان موضوع و تابع اصلی در نظام حقوقی بین‌الملل است. در نتیجه، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را می‌توان به عنوان «الگوی مسئولیت در سطح بین‌المللی» در نظر گرفت. بر این اساس، چندین محقق از رژیم مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به عنوان نقطه‌ی شروع مفیدی در هنگام بررسی، شرح و بسط رژیم مسئولیت بین‌المللی احتمالی گروه‌های مسلح غیر دولت با توسل به روش استدلال قیاسی نام برده اند. نکته‌ی مهم این است که اتخاذ چنین دیدگاهی می‌تواند رویکرد منسجم‌تری را نسبت به نظام مسئولیت در حقوق بین‌الملل فراهم کند. نکته‌ی مهم آن است که توسل به شیوه‌ی استدلال قیاسی می‌تواند برای پرکردن خلأهای قانونی مفید باشد، چرا که به واقع روشی برای استدلال قانونی

¹² Veronika Bílková, *Establishing Direct Responsibility of Armed Opposition Groups for Violations of International Humanitarian Law? In Responsibilities of the Non-State Actor in Armed Conflict and the Market Place*, (The Netherlands: Brill, Nijhoff, 2015): 315, https://doi.org/10.1163/9789004293632_014

¹³ Ibid: 316

¹⁴ Ezequiel Heffes, "The International Responsibility of Non-State Armed Groups: In Search of the Applicable Rules", *Goettingen Journal of International Law*, 8, 1, (2017): 8-9

بر اساس ارزیابی شباهت‌ها و تفاوت‌های مربوطه میان دو سوژه است.^{۱۵} مشابهت‌هایی میان دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیر دولت وجود دارد: این که هر دو، نهادهای حقوقی جمعی با سطحی از سازمان‌دهی هستند که به آنها اجازه می‌دهد به عنوان موجودیت‌های متمایز در خشونت‌های مسلحانه‌ی سازمان‌یافته با درجه‌ای از شدت که به آستانه‌ی یک مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی می‌رسد، شرکت کنند. علاوه بر این، برخی از گروه‌های مسلح غیر دولت قلمرویی را کنترل می‌کنند که در آن حتی ممکن است وظایف دولتی مشابه دولت‌ها را انجام دهند.^{۱۶} شباهت بعدی بین دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیر دولت در قاعده‌مند سازی حقوقی هر دو موجودیت به موجب قواعد اولیه‌ی حقوق بین‌الملل نهفته است. به طور مشخص‌تر، گروه‌های مسلح غیر دولت به تعهدات بین‌المللی مشابهی با دولت‌ها، حداقل، در زمینه‌ی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه پایبند هستند.^{۱۷} با این وجود در خصوص بهره‌مندی از چارچوب حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در خصوص گروه‌های مسلح غیر دولت باید با احتیاط پیش رفت. گروه‌های مسلح غیر دولت بر خلاف دولت‌ها نه حق بر وجود دارند و نه از مشروعیت مفروضی در حقوق بین‌الملل برخوردار هستند. بنابراین، یک نتیجه احتمالی ممکن است این باشد که دلایل زیربنایی مسئولیت بین‌المللی آن‌ها نه تنها شامل قوانینی در مورد، به عنوان مثال، انتساب^{۱۸} و غرامت، بلکه در مورد انحلال مؤثر گروه مسئول نیز ممکن است باشد. علاوه بر این، در حالی

¹⁵ Ibid

¹⁶ Jo. Hyeran, "Compliant Rebels; Rebel Groups and International Law in World Politics", International Review of the Red Cross, 98, (2016): 118-119, doi:10.1017/S1816383117000492

¹⁷ Ibid.

¹⁸ در هنگام پرداختن به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، همواره از دو عنصر انتساب و عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی یاد می‌شود. کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، از «انتساب» به عنوان معیار تشخیص و تمیز شرایطی یاد می‌کند که در آن، «رفتاری شامل فعل یا ترک فعل یا مجموعه‌ای از فعل‌ها و ترک فعل‌ها به عنوان رفتار دولت تلقی می‌شود.» اما در بحث راجع به قواعد احتمالی قابل اعمال بر رفتار گروه‌های مسلح غیردولتی در دکتین، موضوع «انتساب» به ابزارهای مختلفی می‌پردازد که مکانیزم‌های نظارتی از رهگذر آن‌ها ارتکاب اعمال متخلفانه را به یک گروه مسلح غیر دولتی خاص مرتبط می‌کنند. از سوی دیگر، علی‌رغم فقدان وفاق عام در خصوص مبنا، به طور گسترده پذیرفته شده است که حقوق بین‌الملل بشر دوستانه گروه‌های مسلح غیر دولتی را ملتزم می‌نماید و موجد تعهدات بین‌المللی بر این بازیگران است.

در این راستا، از حیث مرجع احراز عنصر عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی گروه‌های مسلح غیر دولت، علی‌رغم عدم وجود یک مجمع قضایی بین‌المللی رسمی دارای صلاحیت بر گروه‌های مذکور، ارکان ملل متحد و همچنین سازمان‌های غیردولتی، نظیر بانگ ژنو، اقدام به ایجاد مکانیزم‌های «نظارت» را ایجاد کرده‌اند تا رفتار گروه‌های مسلح غیردولت را از حیث رعایت التزام به تعهدات حقوق بشر دوستانه‌ی بین‌المللی رصد نمایند که از جمله‌ی این مکانیزم‌های نظارتی می‌توان به کمیسیون‌های تحقیق و مأموریت‌های حقیقت‌یاب سازمان ملل، گزارش‌ها و هیات‌های مأموریت مربوط به نظارت بر اسناد تعهد بانگ ژنو، و کار شورای امنیت سازمان ملل در موضوع کودکان و مخاصمات مسلحانه با همکاری دبیرکل ملل متحد اشاره نمود. واقعیت آن است که موارد مذکور رویه‌های قضایی تلقی نمی‌شوند و همچنین به صورت مضیق به دنبال تثبیت مسئولیت بین‌المللی گروه‌های مسلح غیردولت ناشی از نقض هنجارهای بین‌المللی نیز نمی‌باشند. با این وجود، تدقیق در نحوه‌ی نظارت این سازمان‌ها بر رفتار گروه‌های مسلح غیردولتی می‌تواند موجد بینش‌های جالبی درباره مشکلات پیش‌آمده یا راه‌حلی‌هایی که در عمل پیدا شده است باشد. به این ترتیب، برخی از عناصر تحلیل را می‌توان به عنوان درس‌های آموخته‌شده در رابطه با بسط قواعد رسمی مسئولیت حقوقی گروه‌های مسلح غیردولت در صورت تاسیس یک مجمع قضایی بین‌المللی با صلاحیت بر موجودیت‌های جمعی به جز دولت‌ها در آینده در نظر گرفت.

از سوی دیگر تدقیق در دکتین و نیز مطالعه‌ی برخی اسناد بین‌المللی نظیر گزارش مأموریت حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد در مورد مناقشه غزه (گلدستون) در سال ۲۰۰۹ موید این یافته است که در مواردی که گروه‌های مسلح غیر دولت از آن‌چنان نظم سازمانی برخوردار هستند که در قلمرو سزمینی تحت کنترل موثر خود اقدامات حاکمیتی انجام می‌دهند و به عنوان مقامات دوفاکتو شناخته می‌شوند، بر اساس حقوق بین‌الملل موظف به کنترل فعالیت‌های گروه‌های مسلح فعال در قلمرو تحت کنترل خود هستند و در صورتی که در اتخاذ اقدامات احتیاطی لازم را برای جلوگیری از به خطر افتادن جمعیت غیرنظامی توسط گروه‌های مسلح مذکور که با قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز ناسازگار است کوتاهی نمایند مسئولیت جبران خسارات وارده به غیرنظامیان ساکن در قلمرو تحت کنترل خود را بر عهده خواهند داشت. ملاحظه می‌شود در این فرض با گروه مسلح غیر دولت که دارای اقتدار دو فاکتو است از حیث مسئولیت بین‌المللی به مثابه‌ی دولت رفتار شده است. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه بنگرید به:

که برخی از گروه‌ها ویژگی‌های دولت‌مانندی^{۱۹} را نشان می‌دهند و به طور بالقوه می‌توانند تحت قوانین مشابه حاکم بر دولت‌ها قرار گیرند، برخی دیگر از گروه‌های مسلح غیر دولت با ساختارهای سازمانی سست، فقدان هرگونه کنترل سرزمینی، و محدودیت یا کمبود منابع شناخته می‌شوند. در حال حاضر، چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه از رهگذر تحمیل طیف وسیع‌تری از تعهدات اولیه بر گروه‌هایی که از حداقل الزامات سازمانی مندرج در ماده ۳ مشترک فراتر می‌روند و بر بخشی از قلمرو سرزمینی کنترل دارند، به این نابرابری ساختاری در میان گروه‌های مسلح غیر دولت پاسخ می‌دهد. به طور مشابه، در قوانین ثانویه حاکم بر نظام بالقوه‌ی مسئولیت بین‌المللی گروه‌های مسلح غیر دولت، باید تفاوت میان گروه‌های مسلح غیر دولت و دولت‌ها از یک سو و همچنین تفاوت‌های موجود میان خود گروه‌های مسلح غیر دولت در نظر گرفته شود.^{۲۰} این مسئله به ویژه در بحث جبران خسارت خود را به عنوان یک چالش نشان می‌دهد؛ چالشی راجع به ظرفیت‌های متفاوت گروه‌ها در جبران خسارت. به علاوه ظرفیت گروه‌های مسلح غیر دولت برای جبران خسارت ممکن است به طور قابل توجهی در مقایسه با دولت‌ها نیز متفاوت باشد.^{۲۱} بنابراین ظرفیت جبران خسارت توسط گروه‌های مسلح غیر دولت با سطح سازمان‌یافتگی و در دسترس بودن منابع آن‌ها مرتبط است. بر این اساس، نیاز به لحاظ نمودن این تفاوت‌ها در ظرفیت سازمانی برای اطمینان از اثربخشی رژیم احتمالی مسئولیت بین‌المللی وجود دارد. در نهایت، این امر مستلزم ابداع قوانین انتزاعی است که می‌تواند به طور کلی اعمال شود و در عین حال می‌تواند انعطاف کافی برای قاعده‌مند سازی رفتار طیف گسترده‌ای از گروه‌های مسلح غیر دولت را فراهم کند. نکته-ی حائز اهمیت آن است که تابعان حقوقی لزوماً از حیث ماهیت یا در حقوق شان یکسان نیستند^{۲۲} و بر این اساس می‌بایست در باب مسئولیت بین‌المللی احتمالی گروه‌های مسلح غیر دولت قواعدی با ماهیت خاص و یا ویژه^{۲۳} توسعه داده شوند. واقعیت آن است که قواعد گوناگونی بر مسئولیت بین‌المللی تابعان متمایز از یکدیگر حکومت می‌کند. کمیسیون حقوق بین‌الملل رویکرد مشابهی را در کار خود در زمینه مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی اتخاذ کرد: بدین ترتیب در حالی که طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به عنوان مدل کلی مسئولیت بین‌المللی در نظر گرفته شد، در عین حال طرح مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی متضمن این پیش فرض نبود که اصول یکسان در مورد مسئولیت دولت‌ها راجع به سازمان‌های مذکور نیز اعمال می‌شود، بلکه در عوض، هر اصل از منظر خاص مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی در نظر گرفته شد و این امر سبب در نظر گرفتن تعدادی از ملاحظات شد: از جمله لزوم در نظر گرفتن تفاوت چنین سازمان‌هایی در مقایسه با دولت‌ها و نیز تنوع قابل توجهی که میان سازمان‌های بین‌المللی از نظر اختیارات، وظایف، تعداد عضویت، ساختار و قوانین اصلی حاکم بر آن‌ها وجود دارد.^{۲۴}

Ezequiel Heffes, op.cit:15; Annyssa Bellal, "Establishing the Direct Responsibility of Non-State Armed Groups for Violations of International Norms: Issues of Attribution". In *Responsibilities of the Non-State Actor in Armed Conflict and the Market Place*, (Leiden, The Netherlands: Brill | Nijhoff, 2015): 309-301, DOI: https://doi.org/10.1163/9789004293632_016

¹⁹ State-like Characters

²⁰ Ezequiel Heffes, "The Responsibility of armed opposition groups for Violations of International Humanitarian Law: Challenging the State-Centric System of International Law", *Journal of International Humanitarian Legal Studies*, Vol.4, No.1, (2013): 91, <https://doi.org/10.1163/18781527-00401003>

²¹ Cedric Ryngaert, "State Responsibility and Non-State Actors" in Math Noortmann, *Non-Governmental Organizations: Recognition, Roles, Rights and Responsibilities*, (Oxford, Hart Publishing, 2015) : 102-104

²² Reparations for Injuries Suffered in the Employment of the United Nations, Advisory ICJ Rep. (1949): 174, Available at: <<https://www.icj-cij.org/public/files/case-related/4/004-19490411-ADV-01-00-EN.pdf>>, Last visited March 20, 2022

²³ Sue generis

²⁴ Ryngaert, op.cit: 105

۲. ارزیابی مسئولیت کیفری فردی اعضای گروه‌های مسلح غیر دولت:

در مسئول شناخته شدن تک تک اعضای گروه‌های مسلح غیر دولت به دلیل مشارکت در برخی جنایات بین‌المللی مانند جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی چالشی مطرح نمی‌باشد. این مسئولیت ممکن است شامل رهبران یا فرماندهان یک گروه مسلح غیر دولت باشد که مسئول اقدامات ارتکاب یافته توسط زیردستان خود هستند و یا شامل اعضای عادی گروه شود که مسئول مشارکت مستقیم خود در چنین جنایاتی هستند.^{۲۵} اگرچه مسئولیت کیفری بر اساس حقوق بین‌الملل شامل گروه مسلح غیر دولت به عنوان یک موجودیت جمعی^{۲۶} نمی‌شود، اما چارچوب قانونی و تعاریف حاکم بر این جنایات بین‌المللی اذعان دارند که ویژگی موجودیت جمعی گروه‌های مسلح غیر دولت می‌تواند زمینه‌ای را فراهم کنند که اقدامات مجرمانه در آن انجام شود. مقوله‌ی جنایات جنگی به روشنی موید این یافته است: جنایات جنگی شامل نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه است که در جریان درگیری‌های مسلحانه انجام می‌شود؛ درگیری‌هایی که شامل خصومت‌های مسلحانه میان طرف‌هایی با ماهیت جمعی و با درجه‌ی سازمان‌دهی بالا است. نمونه مشابهی را می‌توان در دسته جنایات علیه بشریت یافت؛ جرمی که به عنوان بخشی از «یک حمله گسترده یا نظام‌مند علیه هر جمعیت غیرنظامی [۰۰۰] بر اساس یا در راستای پیش‌برد یک سیاست دولتی یا سازمانی برای ارتکاب چنین حمله‌ای» ارتکاب می‌یابد.^{۲۷} واقعیت آن است که جامعه‌ی بین‌المللی عمده‌ی تلاش‌های خود را بر جرم انگاری اقدامات اشخاص در زمان مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی متمرکز کرده است، و در نتیجه تا حد زیادی مسئولیت گروه مسلح غیر دولت را به عنوان مجموعه‌ی گسترده‌تری که ایده پردازان فردی این جنایات در آن قرار دارند نادیده گرفته است. مفهوم اخیر در ایده‌ی «مجرمیت سیستمی»^{۲۸} که توسط رولینگ در هنگام بحث راجع به جنبه‌های مسئولیت کیفری ناشی از نقض قوانین جنگ مطرح شد، منعکس شده است. مفهوم مجرمیت سیستمی شامل دو جنبه کلیدی است: جنبه-ی نخست زمینه‌ی سازمانی یا جمعی است که جرایم در بستر آن ارتکاب می‌یابند. رولینگ از دولت‌ها به عنوان «سیستم‌هایی» یاد می‌کند که دستور به ارتکاب جنایات می‌دهند، ارتکاب آن‌ها را تشویق می‌کنند و یا حتی اجازه‌ی ارتکاب جرایم را می‌دهند. در این حالت جرم ناشی از ساختار سیستم است و نه تمایلات شخصی اشخاص و ارتکاب چنین جنایاتی «در خدمت سیستم است و توسط سیستم ایجاد می‌شود»، و این وضعیت در نقطه‌ی مقابل جنایات‌های اتفاقی است که شامل جرایمی است که توسط فرد به دلایل شخصی ارتکاب یافته است. در این راستا برخی اندیشمندان مفهوم مجرمیت سیستمی در ارتکاب جنایات بین‌المللی را به گروه‌های مسلح غیر دولت تعمیم می‌دهند. بر این اساس، مجرمیت سیستمی شامل «وضعیتی است که در آن موجودیت‌های جمعی دستور یا اجازه‌ی ارتکاب جنایات بین‌المللی را می‌دهند و یا ارتکاب آن‌ها را تشویق می‌کنند و یا در مقابل ارتکاب چنین جرایمی سکوت می‌کنند».^{۲۹} مفهوم سازی مذکور ارتباط نزدیکی با ایده‌ی یکی از اندیشمندان در خصوص «جرایم اطاعت»^{۳۰} دارد؛ جرایمی که در پاسخ به دستورات مقامات انجام می‌شوند و در عین حال توسط جامعه‌ی بین‌المللی غیر قانونی یا

²⁵ André Nollkaemper, "Concurrence between Individual Responsibility and State Responsibility in International Law" *International and Comparative Law Quarterly*, 52, 3, (2003):615, doi:10.1093/iclq/52.3.61

²⁶ A Collective Entity

²⁷ Nollkaemper, op.cit.

²⁸ Systemic Criminality

²⁹ Mark A. Drumbl, "Collective Violence and Individual Punishment: The criminality of mass atrocity", *Northwestern University law review*, 99, 2, (2005): 570

³⁰ Crimes of Obedience

غیر اخلاقی تلقی می‌شوند. مفهوم مجرمیت سیستمی در رابطه با گروه‌های مسلح غیر دولت توسط عده‌ای از اندیشمندان مورد بررسی واقع شده است. ایشان به طور قانع‌کننده‌ای استدلال می‌کنند که چنین گروه‌هایی را می‌توان به عنوان سیستم‌هایی درک کرد که در وهله‌ی نخست از الزامات سازمانی ناشی می‌شوند؛ الزاماتی که تعیین می‌کنند یک گروه به عنوان یکی از طرف‌های مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی به موجب حقوق بین‌الملل بشردوستانه در نظر گرفته شود. برای برآورده شدن این الزام، لازم است گروه مسلح غیر دولت حداقل تا حدی از نظر ساختاری سازماندهی شده باشد؛ شرطی که به ویژه در مورد مخاصمات مسلحانه که ذیل پروتکل الحاقی شماره‌ی ۲ قرار می‌گیرند، برجسته شده است. در واقع، الزامات سازمانی به عنوان یک ابزار کلیدی در جهت تعیین این نکته عمل می‌کنند که چه زمانی مجموعه‌ای از افراد به یک موجودیت مجزا و جمعی مبدل می‌شوند. دومین جنبه‌ی کلیدی ایده‌ی «مجرمیت سیستمی»، مربوط به ماهیت جمعی خود جنایات است. واقعیت آن است که جنایات بین‌المللی ارتکاب یافته شده در چارچوب مخاصمات مسلحانه اغلب نه توسط یک نفر، بلکه توسط گروهی از افراد انجام می‌شود که در قالب یک گروه مسلح غیر دولت گرد هم می‌آیند؛ امری که بیان‌گر نوعی جنایت جمعی است. با این وجود، هم‌چنان در عرصه‌ی حقوق کیفری بین‌المللی هرگونه محکومیت کیفری مبنای خود را در اصل مجرمیت فردی خواهد یافت و نه در مجرمیت مجموعه‌ای که محکوم علیه جزئی از آن بوده است.^{۳۱} مطابق بخشی از یافته‌ی دادگاه ویژه سیرالئون: «این محاکمه، با عنوان رسمی دادستان علیه سسای، کالون و گبائو است که عمدتاً به عنوان محاکمه‌ی جبهه‌ی متحد انقلابی^{۳۲} شناخته می‌شود، زیرا این سه متهم از اعضای جبهه‌ی متحد انقلابی بوده اند. اما این محاکمه، محاکمه‌ی خود سازمان جبهه‌ی متحد انقلابی نیست، بلکه محاکمه‌ای علیه سه نفر از اعضای این گروه است». واقعیت آن است که مسئولیت کیفری اعضای گروه‌های مسلح غیر دولت ناشی از ارتکاب جنایات بین‌المللی بخش اساسی اجرای عدالت است و گامی مهم در مبارزه با مصونیت از مجازات است.^{۳۳} با این وجود، محاکمات کیفری محدودیت‌های خاص خود را نیز به همراه دارد، چراکه صرفاً مسئولیت افراد به صورت شخصی لحاظ می‌شود، و مسئولیت (جمعی) سیستم، به عنوان یک کل، کنار گذاشته می‌شود. در نتیجه، تصویر تکه‌ای از خشونت جمعی ارائه می‌شود که در آن یک گروه مسلح غیر دولت به تعداد محدودی از اعضای خود تقلیل می‌یابد. به علاوه مسئولیت کیفری فردی به طیف محدودی از نقض‌های حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، که شامل جرایم بین‌المللی است، می‌پردازد و سایر موارد نقض که گروه‌های مسلح غیر دولت در ارتکاب آن‌ها دخالت می‌کنند، بی توجه رها می‌شوند. یکی دیگر از محدودیت‌های مهم در خصوص نظام مسئولیت کیفری بین‌المللی، دسترسی محدود در رابطه با جبران خسارت است. در نتیجه، جبران خسارت نمی‌تواند برای طیف کامل تخلفات ارتکاب یافته‌ی آسیب‌های ناشی از آن که به دست گروه مسلح غیر دولت در موقعیت‌های مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی رخ داده است، ارائه شود.^{۳۴} محدودیت‌های فعلی عدالت کیفری بین‌المللی حداقل به ارائه‌ی دو پیشنهاد از جنس حقوق مطلوب^{۳۵} برای حرکت به جلو منجر می‌شود: نخست، حقوق کیفری بین‌المللی باید به گروه‌های مسلح غیر دولت به عنوان اشخاص حقوقی تعمیم داده شود و در نتیجه نوعی مسئولیت کیفری جمعی ایجاد شود و

³¹ M. Punch, "Why Corporations Kill and Get Away With it: The failure of law to cope with crime in organizations", *Crime Law and Social Change*, 33, 3, (2009): 250

³² Revolutionary United Front (RUF)

³³ Punch, op.cit: 251

³⁴ Phoebe Okowa, "State and Individual Responsibility in Internal Conflicts: Contours of an Evolving Relationship", in Jan Klabbbers (ed), *Finnish Yearbook of International Law*, Volume 20, (Hart Publishing, 2011): 190

³⁵ Lex ferenda

یا رژیم مسئولیت کیفری فردی باید با نوع جدیدی از مسئولیت بین‌المللی مربوط به گروه‌های مسلح غیر دولت که ماهیت غیر کیفری داشته باشد، تکمیل شود.

۳. ارزیابی مسئولیت کیفری جمعی گروه‌های مسلح غیر دولت از منظر رویه‌ی محاکم کیفری بین‌المللی

دلایل متعددی وجود دارد که بررسی امکان مطرح ساختن مسئولیت کیفری جمعی گروه‌های مسلح غیر دولت^{۳۶} را به موجب حقوق بین‌الملل توجیه می‌کند؛ امری که سبب می‌شود مسئولیت کیفری چنین گروه‌هایی به عنوان اشخاص حقوقی دارای شخصیت بین‌المللی متمایز از اعضای تشکیل دهنده‌ی خود^{۳۷} در نظر گرفته شود. به واقع، مفهوم مسئولیت کیفری جمعی به

³⁶ Collective Criminal Responsibility of NSAGs

^{۳۷} واقعیت آن است که تا پیش از سال ۱۹۴۸ میلادی، فرض پذیرفته شده آن بود که حقوق بین‌الملل عبارت است از مجموعه‌ای از قواعد و اصول که منحصرأ در خصوص دولت‌ها و در روابط میان آنها با یکدیگر الزام‌آور تلقی می‌گردد. اما دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود در قضیه‌ی "جبران خسارات کارکنان ملل متحد" در سال ۱۹۴۹ مسیر را برای ارائه‌ی تعریفی جامع و مانع از مفهوم حقوق بین‌الملل و منطبق با هموار ساخت. به موجب یافته‌ی دیوان در رأی مشورتی مذکور، لازمه‌ی تابع و شخص حقوق بین‌الملل بودن برخورداری یک موجودیت از شخصیت حقوقی است و شخصیت حقوقی مفهومی نیست که صرفاً برای دولت وجود داشته باشد. ملاحظه می‌شود دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه‌ی "جبران خسارت کارکنان ملل متحد" به خوبی توانست ملازمه‌ای را که تا آن زمان میان حاکمیت، که انحصاراً مفهومی متعلق به دولت است، و برخورداری از شخصیت حقوقی که وجود داشت، از میان ببرد و بدین ترتیب حقوق بین‌الملل را به مجموعه‌ای از قواعد و اصول قابل اعمال بر تابعان حقوق بین‌الملل و نه منحصرأ دولت‌ها گسترش مفهومی بدهد.

در بحث و پرداختن به این مسئله که آیا حقوق بین‌الملل جواز تعمیم و گسترش شخصیت حقوقی به گروه‌های مسلح غیردولتی می‌دهد یا خیر می‌بایست به این نکته توجه شود که مباحث متعلق به قلمرو حقوق بین‌المللی بعضاً بسیار اختلافی هستند و پاسخ متفن و روشنی دربر ندارند؛ به گونه‌ای که به گفته‌ی یکی از اندیشمندان این عرصه، علی‌رغم سپری شدن مدت مدیدی از حیات حقوق بین‌الملل به عنوان یگانه مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر روابط میان ملل، این رژیم حقوقی هنوز به طور کامل مورد فهم و توضیح واقع نشده است. با تدقیق در قواعد هنجاری روشن می‌شود که گروه‌های مذکور به مثابه‌ی موجودیت‌های ناشناخته‌ای در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل تلقی نمی‌شوند، بلکه برعکس مسائل حقوقی مربوط به این موجودیت‌ها، به دلیل تنوع گسترده و اهمیت آن‌ها به سبب نقش آفرینی‌های وسیع در عرصه‌ی جامعه‌ی بین‌الملل در ابعاد و حوزه‌های گوناگون، در حال قاعده‌مند شدن هستند.

حسب تعریف پروتکل الحاقی دوم به کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو ۱۹۴۹، گروه‌های مسلح شامل نیروهای مسلح یا دیگر گروه‌های مسلح سازمان یافته‌ای هستند که تحت فرماندهی شخص مسئول، حدی از کنترل را بر بخشی از قلمرو ارضی کشور اعمال می‌نمایند؛ امری که آن‌ها را قادر به انجام عملیات نظامی مستمر و منسجم و اجرای پروتکل می‌سازد. در این راستا، حسب نظر عده‌ای از اندیشمندان، گروه‌های مسلح غیردولتی که در مخاصمات مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی مشارکت می‌کنند، حداقل تا میزانی دارای شخصیت حقوقی هستند و مشمول برخی تعهدات و مسئولیت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل می‌شوند. در این راستا، کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آن‌ها، قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد و هنجارهای عرفی حقوق بین‌الملل همگی جزء منابع موجد تعهد برای گروه‌های مذکور تلقی می‌شوند. از سوی دیگر، پرداختن حقوق بین‌الملل به موضوع گروه‌های مسلح غیردولتی و مخاطب قرار گرفتن این موجودیت‌ها هنگامی صورت می‌گیرد که آستانه‌ی خشونت از حد معینی بگذرد؛ امری که در عین حال به صورت ضمنی، مؤید پذیرش امر چند پارگی در داخل دولت مذکور نیز می‌باشد. معنای غالب چنین چند پارگی، آن است که برخی جنبه‌های حاکمیت، به صورت دوفاکتو توسط گروه مسلح غیردولتی فعال در قلمرو ارضی معین اعمال می‌گردد.

بنابراین ملاحظه می‌شود امکان دارد گروه‌های مسلح غیردولتی، تحت شرایطی به ویژه هنگامی که بر بخشی از قلمرو طی یک بازه‌ی زمانی مشخص کنترل دارند و دارای اقتدار دو فاکتو هستند، دست‌کم در بخشی از شخصیت حقوقی دولت‌ها شریک شوند، اگرچه نوع دقیق و میزان آن جای پرسش دارد و غالباً در هر قضیه، به صورت موردی بررسی می‌شود. در این راستا، اشاره به این نکته ضروری است که ماهیت پویا و منعطف حقوق بین‌الملل در پذیرش تابعان بالقوه در تصمیمات مختلف دیوان بین‌المللی دادگستری نیز مورد تبیین واقع شده است که در این خصوص می‌توان از قضیه‌ی تیمور شرقی و یا قضیه‌ی جبران خسارت نام برد. حسب یافته‌ی دیوان در قضیه‌ی جبران خسارت به کارکنان ملل متحد، تابعان هر نظام حقوقی الزاماً از حیث ماهیت یا میزان بهره‌مندی از

پرداختن دقیق‌تر به تخلفات سیستم یا سازمان بزرگتر کمک می‌کند. این امر سبب می‌شود تصویر جامع‌تری از واقعیت جنایات بین‌المللی، که بر خلاف جنایات رایج، عموماً شامل اقدامات جمعی به جای اقدامات فردی است، ارائه شود و نقش ایده پردازان جنایات بین‌المللی نیز مطمح نظر قرار گیرد.^{۳۸} در نتیجه، با اطمینان از این‌که نقش سیستم یا سازمان بزرگ‌تری که نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتکاب داشته است مغفول نمی‌ماند، می‌توان عدالت بیشتری را به منصفی ظهور رساند و این امر موجب هدف قرار دادن مستقیم گروه مسلح غیر دولت مرتکب جرم از طریق پیگرد قانونی خواهد بود. بر این اساس، می‌توان شکاف حاصل از معافیت از مجازات را کاهش داد و در عین حال کارکردهای بازدارنده و پیشگیرانه حقوق کیفری را افزایش داد و عملکرد نظام حقوقی بین‌المللی را بهبود بخشید. ارائه‌ی چنین پیشنهادی لزوماً در حقوق بین‌الملل امری غیرقابل تصور نیست، به ویژه زمانی- که این نکته در نظر گرفته شود که گروه‌های مسلح غیر دولت به خودی خود جزء موضوع و تابعان حقوقی هستند و دست کم شخصیت حقوقی محدودی در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر دوستانه دارند. به علاوه، تأیید مسئولیت کیفری جمعی می‌تواند مبنایی برای مطالبه غرامت از گروه محکوم شده نیز بگردد.^{۳۹}

علی‌رغم تمرکز غالب بر مسئولیت و جرم فردی، ماهیت جمعی جرایم بین‌المللی اثر خود را در حقوق کیفری بین‌المللی بر جای گذاشته است. بدین ترتیب که نه تنها ارتکاب مستقیم جرم انگاری می‌شود، بلکه مفاهیمی مانند نهاد مجرمانه‌ی مشترک^{۴۰} نیز

حق مشابه نیستند و ماهیت آن‌ها به نیازهای جامعه متکی است. هم‌چنین قاضی ویرامانتری و چند تن از قضات دیگر در نظریات مخالف خود در قضیه‌ی تیمور شرقی آن دسته از عناصر سازنده‌ی شخصیت حقوقی را که به عناصر تشکیل دهنده‌ی شخصیت حقوقی دولت‌ها شباهت داشتند به جنبش‌های رهایی بخش نسبت دادند. استدلال ایشان برپایه‌ی این نظریه بود که حق تعیین سرنوشت اعمال عناصر حاکمیتی، نظیر استخراج منابع طبیعی، را مجاز می‌سازد بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که اثر انتساب شخصیت حقوقی به معنای آن است که گروه مسلح غیردولت به عنوان یک تابع حقوقی مجزا و صاحب حق و تکلیف ویژه و منحصر به خود مورد شناسایی واقع می‌گردد. بنابراین، امکان دارد یک گروه مسلح غیردولت بر مبنای معاهده‌ی بین‌المللی، منشور، حقوق عرفی یا قواعد عمومی حقوق بین‌الملل برای خود مدعی شخصیت حقوقی شود و یا ادعا نماید که به عنوان یک ارگان یا نهاد حاکمیتی دولت به صورت دوفاکتو یا دوژور عمل می‌نماید. اما پرسشی که در این زمینه قابلیت مطرح شدن دارد آن است که چه شاخص یا شاخص‌هایی در تعیین و تشخیص این مسئله موثر هستند که کدام یک از گروه‌های مسلح غیردولت می‌توانند برای خود ادعای وجود شخصیت حقوقی نمایند؟ مطابق آن‌چه در دکتترین در این خصوص بیان شده است، از رهگذر ترکیب و تلفیق ظرفیت‌ها و عملکرد سازمانی خود گروه‌های مسلح غیردولتی، ضروریات جامعه‌ی بین‌المللی، اعتقاد حقوقی سایر بازیگران عرصه‌ی حقوق بین‌الملل و نیز به موجب شرایط داخل در خود دولت در موارد وجود دولت‌های به لحاظ اقتدار چندپاره می‌توان تعیین نمود کدام گروه‌های مسلح غیردولت می‌توانند مدعی وجود شخصیت حقوقی برای خود شوند. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه بنگرید به:

Reparations for Injuries Suffered in the Employment of the United Nations, Advisory ICJ Rep. (1949): 176, Available at: <<https://www.icj-cij.org/public/files/case-related/4/004-19490411-ADV-01-00-EN.pdf>>, Last Visited March 20, 2022; Case Concerning East Timor (Portugal v. Australia), International Court of Justice (ICJ), (Dissenting Opinion of Judge Weeramantry), (1995): 197-200, available at: https://www.refworld.org/cases/ICJ_40239bff4.html, last visited August 5, 2022; Cherif Bassiouni, M. "The New Wars and the Crisis of Compliance with the Law of Armed Conflict by Non-State Actors", *The Journal of Criminal Law and Criminology*, Vol. 98, No.3, (2008):771, JSTOR, <http://www.jstor.org/stable/40042787>, last visited August 5, 2022

³⁸ A. Pasternak, "The Distributive Effect of Collective Punishment", in T. Isaacs and R. Vernon (eds.), *Accountability for Collective Wrongdoing*, (Cambridge, Cambridge University Press: 2011): 220-222

³⁹ W. Wilson, "A Rational Scheme of Liability for Participating in a Crime", *Criminal Law Review*, Vol 3, (2008): 4-6

⁴⁰ برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه بنگرید به:

Alison Martston Danner and Jenny S. Martinez, "Guilty Associations: Joint Criminal Enterprise, Command Responsibility, and the Development of International Criminal Law", *California Law Review*, 93, (2005): 150-153

در رویه‌ی محاکم و دیوان‌های کیفری بین‌المللی مورد شناسایی واقع شده‌اند.^{۴۱} در این راستا، رویه‌های محدودی از گذشته وجود دارد که از پرداختن به این سؤال و ابداع پاسخ‌هایی برای مقابله با آن ابایی نداشته است. این رویه از منظر مسئولیت کیفری جمعی گروه‌های مسلح غیر دولت به شرح ذیل مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱-۳ دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ:

مفهوم مسئولیت کیفری جمعی با سابقه‌ی بحث برانگیز آن در حقوق کیفری بین‌المللی شناخته شده است. اگرچه دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ اصل مسئولیت فردی را پررنگ قلمداد می‌کرد، اما با چالش رو به رو شدن با جنایات جمعی نیز مواجه بود که ناشی از شکل بسیار پیشرفته‌ای از مفهوم مجرمیت سیستمی بود که پیش‌تر مورد اشاره واقع گردید. دادگاه نظریه‌ای چالش برانگیز در خصوص مجرمیت جمعی یا گروهی را ابداع کرد که در برگیرنده مفهوم سازمان‌های مجرمانه^{۴۲} بود.^{۴۳} این امر به دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ اجازه داد تا سازمان‌ها یا گروه‌های نازی خاصی مانند گشتاپو، اس‌اس و حزب نازی را در ماهیت مجرم اعلام کند. مطابق یافته‌ی دادگاه برای این که سازمان مجرمانه‌ای با این ماهیت وجود داشته باشد، باید «گروهی به هم پیوسته و با هدفی مشترک سازمان‌دهی شده باشد؛ گروهی که در ارتباط با ارتکاب جنایات مورد بررسی تشکیل شده یا مورد استفاده قرار گرفته است. نکته‌ی جالب آن است که یکی از اهداف جرم‌انگاری این سازمان‌ها، کنترل دارایی‌های آن‌ها، با هدف سوق دادن آنها به سوی تأمین غرامت بوده است. این امر سبب شد تا برای دادگاه‌های ملی مبنایی به منظور تحت تعقیب قرار دادن اعضای گروه‌هایی فراهم شود که پیش‌تر توسط دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ مجرمانه اعلام شده بودند. مطابق یافته‌ی دادگاه عضویت به عنوان مدرکی دال بر مشارکت در جرایم یک سازمان در نظر گرفته شد. به طور دقیق‌تر، مسئولیت کیفری فردی بر اساس عضویت فرد در سازمان مجرمانه تعیین می‌شد، مشروط بر اینکه داوطلبانه باشد و شخص از هدف مجرمانه سازمان اطلاع داشته باشد یا شخصاً در تحقق آن نقش داشته باشد. منطق موجود در پس این مدل از سازمان‌های مجرمانه آن بود که حجم کار دادستانی و قضایی به میزان قابل توجهی کاهش می‌یافت و در عین حال از فرار از عدالت جلوگیری می‌گشت.^{۴۴} اما به سه دلیل نمی‌توان از مدل به کار گرفته شده در دادگاه نورنبرگ در بحث مسئولیت کیفری جمعی گروه‌های مسلح غیر دولت استفاده کرد. اول آن که، مدل به کار گرفته شده در دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ برای اعمال و اقدامات سازمان‌های دولت مانند^{۴۵} ابداع شد، و هیچ نشانه‌ای ارائه نمی‌کند که ممکن است به بازیگران غیردولتی، مانند گروه‌های مسلح غیر دولت تعمیم داده شود. هنگامی که ماهیت بسیار پیچیده و بوروکراتیک رژیم نازی در نظر گرفته شود، پرسشی که مجال مطرح شدن می‌یابد آن است که چگونه یک گروه مسلح غیر دولت، که با ساختار سازمانی سست، تعداد اعضای متغیر و با فقدان اطلاعات کلی در مورد عملکرد آن مشخص می‌شود، چگونه می‌تواند به مفهوم سازمان مجرمانه‌ی ابداعی نورنبرگ

⁴¹ D. Akande, "International Law Immunities and the International Criminal Court", American Journal of International Law, Volume 98, Number 3, (2014): 425, doi:10.2307/3181639

⁴² Criminal Organizations

⁴³ Nina H. B. Jørgensen, *The Responsibility of States for International Crimes*, (Oxford: Oxford Monographs in International Law: 2000): 70-72

⁴⁴ اشکان فامیل مدبران و دیگران، «اخلاق و عدالت کیفری در دادگاه ویژه کیفری بین‌المللی نورنبرگ با تکیه بر حقوق بین‌المللی عرفی»، *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۳، ۴۷، (۱۳۹۹): ۲۹-۳۱، doi: 10.30495/alr.2020.667796

⁴⁵ State-like Organizations

مرتبط باشد؟ دوم آن که درست است که ممکن است استدلال شود مدل به کار گرفته شده در محاکمات نورنبرگ سابقه‌ای را برای مسئولیت کیفری جمعی در حقوق کیفری بین‌المللی به ارمغان می‌آورد، تا جایی که ممکن است یک شخص به دلیل رفتار سایر اعضای همان سازمان مجرمانه‌ای اعلام شده در معرض مجازات کیفری قرار گیرد. با این حال، قضاوت در مورد مجرمیت سازمان‌های حزب نازی صرفاً ماهیت اعلامی داشت و به دادگاه نظامی نورنبرگ این قدرت را نمی‌داد که خود سازمان‌ها را از نظر کیفری مسئول بداند و آن‌ها را مطابق با آن مجازات کند، بلکه در عوض مجرم شناخته شدن سازمان این امکان را فراهم می‌ساخت تا اعضای سازمان مسئول قلمداد شوند. اما تمرکز مقاله‌ی حاضر متفاوت است، زیرا به دنبال بررسی این است که آیا گروه‌های مسلح غیر دولت می‌توانند به تنهایی مسئول کیفری شناخته شوند یا خیر؟ سوم آن که مفهوم سازمان‌های مجرمانه در رویه‌ی کیفری بین‌المللی پس از محاکمات جنگ جهانی دوم احیا نشد.^{۴۶} از این نظر، این تصور که مدل نورنبرگ ممکن است برای بحث حاضر، از نظر سابقه، اهمیتی داشته باشد، به طور جدی تعدیل می‌شود.

۲-۳ دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و دیوان بین‌المللی کیفری رواندا:

در طی مراحل تدوین اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، کمیته‌ای متشکل از حقوق‌دانان فرانسوی پیشنهاد کردند که مفهومی از سازمان‌های مجرمانه مشابه با آنچه در منشور نورنبرگ آمده بود در اساسنامه درج شود، اما این پیشنهاد مورد استقبال واقع نشد و در نهایت کنار گذاشته شد. نگرانی‌هایی که در خصوص پیشنهاد کمیته‌ی فرانسوی مطرح شد شامل این مسئله بود که مجرم اعلام شدن اشخاص به سبب ارتباط داشتن با یک سازمان اساساً ناعادلانه و ناعادلانه خواهد بود، و این که محدودیت‌های حاصل از متکی بودن بر عضویت به تنهایی، برای اثبات مجرمیت فردی مشکل ساز است. هم‌چنین دبیر کل وقت سازمان ملل در گزارش خود راجع به تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق این سوال را مطرح کرد که آیا ممکن است یک شخص حقوقی، مانند یک مجمع یا سازمان، به عنوان مجرم شناخته شود و بنابراین اعضای آن تنها به همین دلیل مشمول صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق شوند یا خیر؟ در پاسخ به پرسش مذکور، چنین نتیجه‌گیری شد که مجرم قلمداد شدن اشخاص حقیقی به سبب عضویت در گروهی که مجرمانه اعلام شده است نباید بر این مبنا حفظ شود که جرایم بین‌المللی توسط اشخاص حقیقی ارتکاب می‌یابند؛ اشخاصی که می‌بایست صرف‌نظر از عضویت خود در یک گروه مشخص تحت صلاحیت کیفری واقع شوند. علی‌رغم فعالیت‌های مضر شبه نظامیان مسلح و گروه‌های رواندا، مدل سازمان‌های مجرمانه در چارچوب ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی رواندا مورد پذیرش واقع نشد.^{۴۷}

۳-۳ دیوان کیفری بین‌المللی:

نکته‌ای که در خصوص دیوان کیفری بین‌المللی قابل توجه است آن است که پیش نویس ماده‌ی ۲۳ اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی که در کنفرانس رم در سال ۱۹۹۸ مورد بحث قرار گرفت، نه تنها امکان تعقیب اشخاص حقیقی بلکه امکان تعقیب

^{۴۶} فامیل مدبران، همان، ص ۳۲

^{۴۷} همایون حبیبی، صالحه رضانی، «حقوق بین‌الملل عرفی: منبع قواعد ماهوی در چارچوب دیوان کیفری بین‌المللی»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم-

شناسی، ۱۰، ۱۹، (۱۴۰۱): ۱۰-۱۲

اشخاص حقوقی به استثنای دولت‌ها را نیز در بر می‌گرفت.^{۴۸} بر اساس مقرره‌ی مذکور، دیوان «زمانی که جرایم ارتكابی از طرف چنین اشخاص حقوقی یا توسط ارگان‌ها، نمایندگی‌ها یا نمایندگان آن‌ها ارتكاب یافته باشد» صلاحیت می‌داشت. هم‌چنین مطابق ماده‌ی ۷۶ طرح مذکور راجع به اشخاص حقوقی محکوم چنین مقرر گردیده بود که علاوه بر جزای نقدی، انحلال و ضبط عواید، اموال و دارایی‌های حاصل از رفتار مجرمانه و سایر مجازات‌ها به عنوان مجازات احتمالی برای اشخاص حقوقی مذکور تحمیل شود. مشاهده می‌شود پیش نویس دیوان کیفری بین‌المللی از دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ فراتر رفته بود، چراکه بدین ترتیب ابزاری برای تعقیب و مجازات اشخاص حقوقی فراهم می‌کرد. پاورقی ذیل پیش‌نویس ماده‌ی ۲۳ بیان می‌داشت که «تفاوت عمیقی در دیدگاه‌ها در مورد توصیه به گنجاندن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اساسنامه وجود دارد». اگرچه برخی از نمایندگان به شدت از گنجاندن چنین مقرره‌ای حمایت کردند، به نظر می‌رسد که بسیاری نیز به شدت با این پیشنهاد مخالفت کردند.^{۴۹} در کنفرانس رم، یک پیشنهاد از جانب هیات نمایندگان فرانسه، بر اساس پیش‌نویس ماده‌ی ۲۳، بحث راجع به مفهوم سازمان‌های مجرمانه را این بار بدون جرم بحث برانگیز عضویت مطرح ساخت. به واقع چنین پیشنهاد شده بود هنگامی که «جرمی توسط یک شخص حقیقی به نمایندگی یا با رضایت از جانب یک گروه یا سازمانی از هر نوع ارتكاب یافته باشد، دیوان می‌تواند اعلام کند که این گروه یا سازمان یک سازمان مجرمانه است» و «اشکال متناسب جبران خسارت» می‌تواند به عنوان یک مجازات تعیین شود. این پیشنهاد از منظر جبران خسارت برای قربانیان جذاب تلقی می‌شد. با این وجود، نگرانی‌های عدیده‌ای در خصوص تعریف مفهوم سازمان‌های مجرمانه، اشخاص حقوقی، تمرکز انحصاری اساسنامه بر مسئولیت کیفری فردی و فقدان چنین مفاهیمی در نظام‌های حقوقی داخلی برخی دولت‌های عضو مطرح شد. به علاوه از یک سو، مفهوم شخص حقوقی می‌توانست به طور بالقوه شامل گروه‌های مسلح غیر دولت به سبب شخصیت حقوقی بین‌المللی محدود آن‌ها به موجب حقوق بین‌الملل بشر دوستانه باشد. از سوی دیگر، بحث دیگری مطرح شد مبنی بر این که ممکن است مفهوم اشخاص حقوقی به سازمان‌های فاقد وضعیت حقوقی نظیر مافیا یا گروه‌های تروریستی شناخته شده نظیر القاعده نیز تعمیم یابد.^{۵۰}

بنا بر آنچه بیان گردید، ماده‌ی ۲۳ پیش‌نویس اساسنامه این ماده ظرفیت آن را داشته است که شامل گروه‌های مسلح غیر دولت نیز بگردد. اما در ادامه‌ی مسیر، این هدف پیگیری نشد. علاوه بر این، هیات نمایندگان فرانسه پیشنهاد نمود عبارت «شرکت حقوقی»^{۵۱} در پیش‌نویس اساسنامه جایگزین عبارت «شخص حقوقی»^{۵۲} گردد. اصطلاح شرکت حقوقی به معنای شرکتی است که هدف واقعی یا غالب آن به کسب سود یا منفعت خصوصی است. در نهایت، هرگونه اشاره به واژه‌ی «حقوقی»، «سازمان مجرمانه» یا «شرکت حقوقی» از ماده‌ی ۲۵ نهایی اساسنامه‌ی رم که فقط مسئولیت کیفری فردی اشخاص حقیقی را پیش‌بینی می‌کند، کنار گذاشته شد.^{۵۳}

^{۴۸} همان

^{۴۹} حجت سلیمی ترکمانی، «تأملی بر ظرفیت‌های دیوان بین‌المللی کیفری در حمایت از حقوق بشر»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۳، (۱۳۹۶)، ۱۷-۲۱

^{۵۰} نایب علی اختری، «عملکرد دادگاه کیفری بین‌المللی از ابتدا تا کنون»، *گفتمان حقوقی*، ۹، ۱۷، (۱۳۹۹): ۹

^{۵۱} Judicial Entity

^{۵۲} Legal Entity

^{۵۳} اختری، همان

با توجه به آن چه بیان گردید، از بحث فوق، به وضوح می‌توان نتیجه گرفت که تحولات در حقوق کیفری بین‌المللی و رویه‌ی مدرن، موجد پشتیبانی اندکی از ایجاد مفهوم مسئولیت کیفری جمعی برای گروه‌های مسلح غیر دولت است.

۴. پیشنهاد طرحی به منظور ایجاد یک رژیم حقوقی نوین مسئولیت بین‌المللی برای گروه‌های مسلح غیر دولت با ماهیت ویژه^{۵۴}

با تدقیق در دکترین روشن می‌شود عده‌ای از اندیشمندان پیشنهاد کرده‌اند که رژیم مسئولیت کیفری فردی باید با نوع جدیدی از مسئولیت بین‌المللی مربوط به گروه‌های مسلح غیر دولت که ماهیت غیر کیفری داشته باشد تکمیل شود. از منظر ایشان ناتوانی حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در کاهش شکاف مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض‌های ارتكابی توسط گروه‌های مسلح غیر دولت در حقوق بین‌الملل، اولین توجیه را به منظور بررسی امکان ایجاد یک رژیم جدید مسئولیت بین‌المللی احتمالی برای گروه‌های مسلح غیر دولت فراهم می‌کند. این نتیجه‌گیری با یافته‌های تحلیلی در مورد رژیم مسئولیت کیفری فردی تقویت می‌شود.^{۵۵} به واقع اگرچه مسئولیت کیفری جمعی گروه‌های مسلح غیر دولت می‌توانست بستری برای مسئول دانستن چنین گروه‌هایی با توجه به نقش آن‌ها در جنایات بین‌المللی و نیز مبنای قانونی بالقوه‌ای برای ادعای جبران خسارت فراهم کند. با این وجود، اولاً تعمیم حقوق کیفری بین‌المللی به گروه‌های مسلح غیر دولت به عنوان یک موجودیت جمعی، مملوء از نگرانی‌های حقوقی گوناگون در مورد انصاف، عدالت و انطباق آن با اصول اساسی حقوق کیفری است و ثانیاً، رویه‌ی قابل اعتنایی در این زمینه وجود ندارد. واقعیت آن است در مقایسه با حوزه‌ی حقوق کیفری بین‌المللی، چه بسا شایستگی بیشتری در تکمیل ابتکارات موجود که مربوط به مسئولیت کیفری تک تک اعضای گروه است، با رژیم احتمالی مسئولیت بین‌المللی گروه-های مسلح غیر دولت که با مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها قابل مقایسه است، وجود داشته باشد. چنین نتیجه‌گیری در یافته‌های اندیشمندان در خصوص تمایل به حرکت به سمت یک رژیم مسئولیت بین‌المللی برای گروه‌های مسلح غیر دولت مشابه با رژیم مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، در مقابل استدلال برای جرم انگاری رفتار متخلفانه‌ی یک گروه مسلح غیر دولت، از حمایت بیشتری برخوردار است. توضیح محتوای رژیم مسئولیتی بین‌المللی احتمالی گروه‌های مسلح غیر دولت، به‌ویژه وظیفه‌ی جبران خسارت، می‌تواند از تحلیل قیاسی راجع به قواعد و اصول مربوط به وظیفه‌ی جبران خسارت، همان‌طور که در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بیان شده‌اند، آغاز شود. مسئولیت بین‌المللی احتمالی گروه‌های مسلح غیر دولت را می‌توان به دلیل عملکرد جبرانی آن و از رهگذر قیاس با سیستم‌های حقوقی ملی، که به طور کلی مسئولیت مدنی را از کیفری متمایز می‌کند، به عنوان یک رژیم مسئولیتی با ماهیت مدنی در نظر گرفت.^{۵۶} اما استفاده از تعبیر نظام مسئولیتی ویژه یا خاص به دو دلیل ترجیح داده می‌شود. نخست آن‌که، پیامدهای قانونی این شکل از مسئولیت می‌تواند فراتر از تعهد به جبران خسارت باشد. به عنوان مثال، این امر هم‌چنین می‌تواند مستلزم انحلال گروه‌های مسلح غیر دولت مسئول باشد. بدین معنا که ممکن است اقدامی از جنس اجبار یا تنبیه به کار برود که از ماهیت متمایز گروه‌های مسلح غیر دولت ناشی می‌شود. دوم آن‌که، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها یک سیستم واحد را در حقوق بین‌الملل تشکیل می‌دهد: این سیستم هیچ تفاوتی میان درجات مسئولیت، بر اساس منبع تعهدات

⁵⁴ A Sui generis Regime of International Responsibility

⁵⁵ Edoardo Gabriele Vacca, Laura Íñigo Álvarez, "Towards a Regime of Responsibility of Armed Groups in International Law", *Journal of Conflict and Security Law*, 26, 2, (2021): 460-465, <https://doi.org/10.1093/jcs/lkrab005>

⁵⁶ Ibid.

نقض شده (مانند جرم یا قرارداد) قائل نیست، و شامل طبقه بندی‌های نظام‌های حقوقی ملی به مدنی یا کیفری نیز نمی‌شود. به همین دلیل، مفهوم مسئولیت بین‌المللی را نمی‌توان به سادگی با مفاهیم حقوق داخلی ادغام کرد. به دیگر سخن صفت «ویژه» به توصیف رژیم مسئولیتی جدیدی می‌پردازد که نه مدنی و نه کیفری است و در عین حال به انطباق با ویژگی‌های گروه‌های مسلح غیر دولت در هنگام مفهوم سازی چنین مسئولیت بین‌المللی نیاز دارد. به واقع چنین استدلال می‌شود که مسئولیت بین‌المللی احتمالی گروه‌های مسلح غیر دولت در عین شبیه بودن به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها با لحاظ نمودن خصوصیات ویژه‌ی گروه‌های مورد بحث مفهوم سازی شود. به واقع برخلاف عدالت کیفری، تعهد به جبران خسارت که به مسئولیت بین‌المللی احتمالی گروه‌های مسلح غیر دولت مربوط می‌شود، به مشارکت تک تک اعضا در یک جرم معین از نظر جرم شخصی باز نمی‌گردد. در عوض، تعهد مذکور مبنای خود را در عاملیت جمع یا به عبارت دیگر در نقض تعهدات توسط بازیگر جمعی یا گروهی می‌یابد. اگرچه ممکن است اعضاء درجات متفاوتی از مجرمیت شخصی را متحمل شوند، اما این رویکرد معیاری را ارائه می‌کند که به موجب آن، اعضای گروه به طور جمعی در جبران پیامدهای زیان بار یک عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی که توسط گروهی که عضو آن یا بخشی از آن بودند، سهیم هستند. اعضاء هم‌چنین ممکن است نقش جمعی در جلوگیری از وقوع آسیب‌های مشابه داشته باشند. توزیع هزینه‌های غرامت را نباید با تقسیم مجرمیت یکی دانست و بنابراین سخنی از مسئولیت فردی به میان نیاورد. علاوه بر مبنای، اهداف و ماهیت اشکال جبرانی عدالت نیز متفاوت است. هنگامی که صحبت از اشکال جبرانی عدالت به میان می‌آید، به جای تمرکز بر مجازات و محکومیت مرتکبین خطاکار، تمرکز بر بازسازی یا اصلاح آسیب‌هایی است که افراد یا جوامع به ناحق تجربه کرده اند، به عنوان یک فرآیند گسترده‌تر از تشفی خاطر است. این امر بیشتر بر نقش متمایز اشکال مختلف مسئولیت و ماهیت تکمیلی آن‌ها تأکید می‌کند. از منظر اخلاقی، هم‌چنین به نظر منصفانه و درست به نظر می‌رسد که تعهدات جبرانی به طور مشترک در زمانی که آسیب‌ها در بستری گروهی، صرف نظر از میزان دخالت یک فرد، ایجاد می‌شود حاصل شوند. این امر احتمال وجود یک جنبه‌ی تکمیلی مشخص میان مسئولیت کیفری یک عضو و مسئولیت بین‌المللی احتمالی گروه مسلح غیر دولت که وی به آن تعلق دارد را زایل نمی‌کند. هر دو شکل مسئولیت می‌توانند مکمل یکدیگر باشند، زیرا در چنین حالتی کسانی که شخصا مقصر شخصی هستند نمی‌توانند پشت نقاب جمع پنهان شوند، و در عین حال گروه یا سیستم نیز باید پاسخگوی نقش خود باشد. اتخاذ چنین رویکردی تقاضا برای مستقیما مخاطب قرار دادن گروه مسلح غیر دولتی که ناقض حقوق بین‌الملل است را برآورده می‌کند.^{۵۷}

نتیجه‌گیری:

یک نظام حقوقی مؤثر به دنبال نهادینه ساختن این واقعیت است که نقض هنجارهایی که به دنبال ترویج آن است، پیامدهایی به دنبال دارد. ایده‌ی مذکور در پس طرح مواد مربوط به مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه‌ی بین‌المللی که در سال ۲۰۰۱ توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تدوین گردید نیز وجود داشته است. با این حال تقریبا نیم قرن طول کشید تا سند مذکور که در برگرفته‌ی قواعد حقوق بین‌المللی در زمینه‌ی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بود نهایی شود. این موضوع انتقاد محققان را

⁵⁷ Ibid.

بر این اساس برانگیخته است که مجموعه‌ی قواعد مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت ممکن است با توجه به مشکلات معاصر در عرصه‌ی بین‌المللی تا حدی منسوخ شده باشد. در واقع، در دنیایی که انواع گروه‌های مسلح غیر دولت در سطوح مختلف داخلی و بین‌المللی در حال نقش آفرینی فزاینده هستند، نظام مسئولیتی که کاملاً بر الگوی دولت‌محور استوار است نمی‌تواند به‌طور جامع با پیامدهای ناشی از نقض هنجارهای حقوق بین‌المللی توسط گروه‌های مذکور برخورد نماید. به‌طور قطع، توسعه‌ی حقوق کیفری بین‌المللی سهم مهمی در مبارزه با بی‌کیفری داشته است و برای برخی از قربانیان جنایات بین‌المللی که توسط اعضای گروه‌های مسلح غیردولتی ارتکاب یافته‌اند، غرامت فراهم کرده است. با این حال، حقوق کیفری بین‌الملل بر مسئولیت کیفری فردی متمرکز است و دادگاه‌های کیفری بین‌المللی صلاحیتی بر «موجودیت‌های جمعی» نظیر گروه‌های مسلح غیردولت ندارند. علاوه بر این، با توجه به طولانی بودن محاکمات کیفری فردی در سطح بین‌المللی و توانایی محدود حقوق کیفری بین‌المللی، محاکمه‌ی تعداد محدودی از اشخاص و اتکای صرف بر مسئولیت کیفری فردی برای رسیدگی به نقض حقوق بین‌الملل که توسط گروه‌های مسلح غیردولت ارتکاب می‌یابند، کافی نیست. به واقع، در حالی که افزایش توانایی برای پاسخگو قلمداد نمودن مجرمان فردی مهم است، اما به‌طور کلی توافقی وجود دارد که قوانین کیفری بین‌المللی و پیگردهای فردی به صورت رضابت بخشی به نیازهای قربانیان پاسخ نمی‌دهند. در این راستا، هدف از این مقاله تعیین ویژگی رژیم احتمالی مسئولیت بین‌المللی گروه‌های مسلح غیر دولت با ماهیتی خاص بوده است. واقعیت آن است که نظام حقوق بین‌الملل نظامی در حال توسعه است که در عین حال از ماهیت پویا و منعطفی برخوردار است. به همین سبب عمده‌ی تمرکز بر ارائه‌ی نظریاتی روشن‌گراییانه از حقوق بین‌الملل است. برای این منظور، محدودیت‌ها و پتانسیل رژیم‌های موجود مسئولیت دولتی و مسئولیت کیفری فردی ارزیابی گردید. با توجه به محدودیت‌های رژیم‌های مسئولیت مذکور، این نتیجه حاصل شد که مسئولیت بین‌المللی احتمالی گروه‌های مسلح غیر دولت مستلزم یک رژیم حقوقی جدید و مجزا در حقوق بین‌الملل است. بر اساس این بحث، پیشنهاد شد که مسئولیت بین‌المللی گروه‌های مسلح غیر دولت در عین شبیه بودن به مسئولیت دولت‌ها با لحاظ نمودن خصوصیات خاص گروه‌های مورد بحث مفهوم‌سازی شود. ویژگی خاص به توصیف رژیم مسئولیتی جدید مبنی بر نه مدنی و نه جنایی و در عین حال نیاز به انطباق آن با ویژگی‌های گروه‌های مسلح غیر دولت در هنگام مفهوم‌سازی چنین مسئولیت بین‌المللی اشاره دارد. بر این اساس، چنین پیشنهاد شده است که در تدوین این رژیم مسئولیتی می‌توان از استدلال حقوقی قیاسی استفاده شود که مطابق آن، قواعد و اصول مربوط به حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت مبدأ قرار می‌گیرد. به واقع هدف، ابداع قواعد انتزاعی است که می‌تواند به‌طور کلی اعمال شود، و در عین حال، انعطاف‌پذیری لازم را برای تطبیق با ویژگی‌های گروه‌های مسلح غیر دولت فراهم کند. در نهایت، استدلال شد که ممکن است یک ارتباط مشخص میان مسئولیت بین‌المللی احتمالی یک گروه مسلح غیر دولت و مسئولیت کیفری فردی اعضای آن وجود داشته باشد. از طریق قیاس با مسئولیت بین‌المللی دولتی، می‌توان امید داشت که رژیم مسئولیت بین‌المللی احتمالی یک گروه مسلح غیر دولت و مسئولیت کیفری فردی اعضای آن قادر باشند از طریق بازیگران متمایز که بر آن‌ها تمرکز می‌کنند، نقض‌هایی که به آن‌ها اشاره می‌شود و اهداف مشخصی که در خدمت آن‌ها هستند مکمل یکدیگر در برخورد با اعمال متخلفانه‌ی بین‌المللی باشند.

منابع:

فارسی

۱- کتب

- کمیسیون حقوق بین الملل، مسئولیت بین المللی دولت، متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین الملل، ترجمه‌ی علیرضا ابراهیم‌گل، چاپ ششم، (تهران: موسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳).

۲- مقالات

- اختری، نایب علی، «عملکرد دادگاه کیفری بین المللی از ابتدا تا کنون»، *گفتمان حقوقی*، ۹، ۱۷، (۱۳۹۹)،
- حبیبی، همایون، صالحه رمضانی، «حقوق بین الملل عرفی: منبع قواعد ماهوی در چارچوب دیوان کیفری بین المللی»،
پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۰، شماره ۱، (۱۴۰۱) doi:10.22034/JCLC.2022.321050.1619
- سلیمی ترکمانی، حجت «تأملی بر ظرفیت‌های دیوان بین المللی کیفری در حمایت از حقوق بشر»، *آموزه‌های حقوق کیفری*،
۱۳، (۱۳۹۶)
- فامیل مدبران، اشکان و دیگران، «اخلاق و عدالت کیفری در دادگاه ویژه کیفری بین المللی نورنبرگ با تکیه بر حقوق بین
المللی عرفی»، *تحقیقات حقوقی بین المللی*، ۱۳، ۴۷، (۱۳۹۹) doi: 10.30495/alr.2020.667796

English

1-Books

- Bílková , Veronika, *Establishing Direct Responsibility of Armed Opposition Groups for Violations of International Humanitarian Law? In Responsibilities of the Non-State Actor in Armed Conflict and the Market Place*, (The Netherlands: Brill, Nijhoff: 2015)
-Jørgensen, Nina H. B., *The Responsibility of States for International Crimes*, (Oxford: Oxford Monographs in International law, 2000)

2-Articles:

- Akande, D. “International Law Immunities and the International Criminal Court”, *American Journal of International Law*, 98, 3, (2014), doi:10.2307/3181639.
-D’Aspremont, Jean “Rebellion and State Responsibility: Wrongdoing by Democratically Elected Insurgents.” *The International and Comparative Law*, 58, 2, (2009), Available at: <http://www.jstor.org/stable/20488297>, Last visited July 20, 2022.
-Danner, Alison Martston and Jenny S. Martinez, “Guilty Associations: Joint Criminal Enterprise, Command Responsibility, and the Development of International Criminal Law”, *California Law Review*, 93, (2005)
-Drumbl Mark A., “Collective Violence and Individual Punishment: The criminality of mass atrocity”, *Northwestern University law review*, 99, 2, (2005)

- Dumberry, Patrick “New State Responsibility for Internationally Wrongful Acts by an Insurrectional Movement”, *European Journal of International Law*, 17, 3, (2016) DOI:10.1093/ejil/chl016.
- Heffes, Ezequiel “The International Responsibility of Non-State Armed Groups: In Search of the Applicable Rules”, *Goettingen Journal of International Law*, 8, 1, (2017)
- Heffes, Ezequiel “The Responsibility of armed opposition groups for Violations of International Humanitarian Law: Challenging the State-Centric System of International Law”, *Journal of International Humanitarian Legal Studies*, 4, 1, (2013), doi.org/10.1163/18781527-00401003.
- Hillgruber, Christian, “The Admission of New States to the International Community”, *European Journal of International Law*, 9, (1998), Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=803686>, Last visited May 27,2023.
- Jo, Hyeran, “Compliant Rebels; Rebel Groups and International Law in World Politics”, *International Review of the Red Cross*, 98, (2016), doi: 10.1017/S1816383117000492.
- Nollkaemper, André “Concurrence between Individual Responsibility and State Responsibility in International Law” *International and Comparative Law Quarterly*, 52, 3, (2003), doi:10.1093/iclq/52.3.61.
- Okowa, Phoebe “State and Individual Responsibility in Internal Conflicts: Contours of an Evolving Relationship”, in Jan Klabbers (ed.), *Finnish Yearbook of International Law*, 20, Hart Publishing, (2011)
- Pasternak, A. “The Distributive Effect of Collective Punishment”, in T. Isaacs and R. Vernon (eds.), *Accountability for Collective Wrongdoing*, Cambridge, Cambridge University Press (2011)
- Punch, M. “Why Corporations Kill and Get Away With it: The failure of law to cope with crime in organizations”, *Crime Law and Social Change*, 33, 3, (2009)
- Ryngaert, Cedric “State Responsibility and Non-State Actors” in Math Noortmann, *Non-Governmental Organizations: Recognition, Roles, Rights and Responsibilities*, (Oxford, Hart Publishing: 2015)
- Wilson, W. “A Rational Scheme of Liability for Participating in a Crime”, *Criminal Law Review*, 3, (2008)
- Vacca, Edoardo Gabriele, Laura Íñigo Álvarez, “Towards a Regime of Responsibility of Armed Groups in International Law”, *Journal of Conflict and Security Law*, 26, 2, (2021), <https://doi.org/10.1093/jcsl/krab005>

Documents

- d'Aspremont, Jean, Veronika Bilkova, Paulo Borba Casella, Luke Moffett, “Final Report of the Committee on Non-State Actors of the International Law Association, (ILA)”, (2016).

-ICRC, “Commentary on Common Article 3 of the Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field”, (2016), Available at: <https://www.icrc.org/applic/ihl/ihl.nsf/Comment.xsp?action=openDocument&documentId=59F6CDFA490736C1C1257F7D004BA0EC#863_B>, Last visited July 20,2022.

-Ago, R. “Fourth Report on State Responsibility”, Yearbook of the International Law Commission, Vol. II, (1972), Available at: <http://legal.un.org/ilc/documentation/english/a_cn4_264.pdf ,Last visited March 10, 2022.

-Reparations for Injuries Suffered in the Employment of the United Nations, Advisory ICJ Rep. (1949), Available at: < <https://www.icj-cij.org/public/files/case-related/4/004-19490411-ADV-01-00-EN.pdf>